

Challenges of Home Businesses and Female-head of Households During Pandemic Covid 19

Hamideh Dabbaghi *

Assistant Professor of Women Studies,
Allameh Tabataba'i University, Tehran,
Iran.

Kosar Mohammadi

MA Student of Women Studies, Allameh
Tabataba'i University, Tehran, Iran.

Abstract

Women and their home businesses during the Corona Pandemic, quarantine, and Health restrictions have been faced many problems. This has led to poverty and increased their concerns, especially in the case of women who are heads of households and responsible for breadwinners. In this study, after in-depth interviews with 15 women and then their thematic analysis by Max QDA software version 2018, 2 main categories, 4 subcategories, 12 concepts, and 110 phrases were extracted. The nature of their jobs and the effect of the disease on some occupations were two main categories of causes of female unemployment in the Covid 19. In addition, three subcategories like psychological consequences such as low self-esteem and depression have led to reduced women's resilience. Job consequences such as the lack of skills development and role mixing and the mother-teacher role were also the main causes that left women trapped in poverty and uncertain jobs and put double pressure on women. The findings also indicate a lack of support based on gender sensitivity.


Keywords: Home Business, Gender Sensitivity, Uncertain Jobs, Gender Resilience, Double Pressure.


* Corresponding Author: hamideh.dabaghi@gmail.com

How to Cite: Dabbaghi, H; Mohammadi, K. (2022). Challenges of women's home and service businesses in the covid 19 pandemic, *Journal of Social Work Research*, 9 (31), 171-206.



چالش‌های کسب‌وکارهای خانگی و زنان سرپرست خانوار در پاندمی کووید ۱۹

حمیده دباغی*  استادیار مطالعات زنان دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

کوثر محمدی  دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات زنان دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

چکیده

در دوران پاندمی کرونا، قرنطینی و محدودیت‌های اعمال شده بر کسب‌وکارها به‌ویژه در عرصه اشتغال غیررسمی و خدماتی، زنان در کسب‌وکارهایشان از منظر ارائه و توسعه خدمات با مشکلات متعددی مواجه شده‌اند. از جمله مهم‌ترین این مشکلات، توقف و تعطیل شدن کسب‌وکارهاست. این پیامد به‌ویژه در مورد گروه زنان سرپرست خانوار که مسئولیت نان‌آوری خانه و امور اقتصادی و مدیریت منابع مالی خانواده را بر عهده دارند، به تشدید فقر و افزایش نگرانی‌های آنها در این حوزه منجر شده است. در این پژوهش پس از مصاحبه نیمه عمیق با ۱۵ زن و سپس تحلیل تماتیک آنها به‌وسیله نرم‌افزار Max Q.D.A ورژن ۲۰۱۸، در مجموع ۲ مقوله اصلی، ۴ مقوله فرعی، ۱۲ مفهوم و ۱۱۰ عبارت استخراج گردید. دو مقوله اصلی بیانگر علل بیکاری زنان در دوران کووید ۱۹ به ماهیت شغل و اثر بیماری بر برخی مشاغل اشاره داشت. پیامدهای بیکاری هم در ۳ دسته پیامدهای روانی مانند کاهش عزت‌نفس و افسردگی، به کاهش تاب‌آوری زنان منتهی شده است. پیامدهای شغلی مانند عدم ارتقای مهارتی و اختلال نقشی و پدیده مادر-معلم نیز موجب وام ماندن زنان در دام فقر و مشاغل متزلزل و فشار مضاعف بر زنان شده است. همچنین یافته‌ها بیانگر فقدان حمایت‌های مبتنی بر حساسیت جنسیتی است.

واژه‌های کلیدی: کسب‌وکارهای خانگی، حساسیت جنسیتی، شغل متزلزل، تاب‌آوری جنسیتی، فشار مضاعف.

بیان مسئله

همه‌گیری کرونا، تلفات عمیقی بر ابعاد زندگی بشر در سراسر جهان وارد کرده است. شاید یکی از مهم‌ترین ابعاد آن پس از تلفات جانی، شوک در حوزه اقتصاد و مشاغل باشد. پس از همه‌گیری ویروس کرونا و تعطیلی‌های اجباری مشاغل از سوی دولت، از سال ۲۰۲۰، اقتصاد جهان وارد یک رکود عمیق شد. کسب‌وکارها و مشاغل، مجبور شدند با طیف گسترده‌ای از چالش‌های هم‌زمان، از جمله تعلیق کارکنان، تعطیلی‌های موقتی و پی‌درپی، اعمال پروتکل‌های سختگیرانه بهداشتی، محدودیت‌های تحرک، کار از راه دور، اختلالات زنجیره تأمین و کاهش تقاضای مصرف، دست‌وپنجه نرم کنند.

در این دوره شکاف‌ها و نابرابری تحت عامل جنسیت به‌عنوان یک عامل تعیین‌کننده مهم در عملکرد کسب‌وکارها، اثرگذاری‌اش را به گونه عمیق‌تری نشان داد. تورس و همکارانش (۲۰۲۱)^۱، در مطالعه مهمی که بر روی ۴۰۰۰ نمونه انجام دادند، پس از تجزیه و تحلیل شکاف‌های جنسیتی، به این یافته مهم رسید که کسب‌وکارهای زنان در مقایسه با مشاغل تحت رهبری مردان به‌طور نامتناسبی آسیب دیده‌اند. به این معنا که مشاغل خرد زنان، به‌ویژه در صنعت مهمان‌نوازی (هتل‌ها و رستوران‌ها)، به‌شدت تحت تأثیر شوک کووید ۱۹، قرار گرفته‌اند و عملیات از سر گرفته شدن آن‌ها، با سرعت کمتری نسبت به کسب‌وکارهای مردان، انجام شده و بنابراین با کاهش بیشتر در درآمد و فروش مواجه بوده‌اند.

همچنین یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که شرکت‌های کوچک تحت رهبری زنان و مشاغل زنانه نسبتاً احتمال بیشتری داشته که به کارکنان خود مرخصی بدهند یا دستمزد یا ساعت کاریشان را کاهش دهند. از سوی دیگر توسعه پلتفرم‌های دیجیتال و نرخ سرمایه‌گذاری در نرم‌افزار، تجهیزات و راه‌حل‌های دیجیتال در میان شرکت‌ها و کسب‌وکارهای زنان، کمتر بوده است. شکاف‌های جنسیتی در دسترسی به حمایت عمومی

نیز به ضرر زنان، بوده و معمولاً مردان در دسترسی به شبکه‌های حمایتی موفق‌تر عمل کرده‌اند (تورس و همکاران، ۲۰۲۱).

آمارهای دیگر حاکی از آن است که زنان همیشه کمتر از مردان در کارآفرینی‌ها، فعال بوده‌اند اما شیوع کرونا موجب گردیده تا شکاف جنسیتی در نسبت حضور زنان و مردان در کارآفرینی پدید آید. برای مثال، در آلمان، کارآفرینان زن در فاصله آوریل تا جولای ۲۰۲۰ حداقل ۳۵ درصد کمتر از مردان کارآفرینی را تجربه کردند (گرابر و همکاران، ۲۰۲۰) و کارآفرینان زن در کانادا با کاهش ۴۳٫۵ درصدی در ساعات کار مواجه بوده‌اند. سازمان توسعه صنعتی ملل متحد نیز، در یک نظرسنجی با جمعیت نمونه ۱۱۱۹ نفری شامل ۷۵۹ زن و ۳۴۹ مرد کارآفرین نشان داده که: ۴۹ درصد از مشاغل کارآفرینان زن و ۳۵ درصد از مشاغل کارآفرینان مرد به‌طور موقت تعطیل شده و ۳ درصد از زنان، برای همیشه شغل خود را از دست داده‌اند. همچنین ۶۳ درصد زنان خوداشتغال در مقابل ۴۷ درصد مردان همکار خود با کاهش درآمد مواجه بوده‌اند. (گزارش سازمان توسعه صنعتی ملل متحد، ۲۰۲۱)

در مورد ایران و مطابق با گزارش وزارت کار (۱۳۹۹)، رسته‌های شغلی که بیشترین آسیب‌ها را از کرونا دیده‌اند، مراکز تولید و توزیع غذاهای آماده اعم از رستوران‌ها، کافه‌ها و تالارهای پذیرایی؛ مراکز مربوط به گردشگری؛ حمل‌ونقل عمومی؛ دفاتر خدمات مسافرتی؛ تولید و توزیع پوشاک؛ تولید و توزیع کفش و کیف؛ مراکز توزیع آجیل و خشکبار و قنادی؛ مراکز ورزشی و تفریحی، مراکز فرهنگی و آموزشی؛ مراکز تولید و توزیع صنایع دستی، هستند. این ۱۰ رسته سهم مهمی را بالغ بر ۱۴٫۴ درصد تولید ناخالص داخلی غیرنفتی در کشور دارند و ۱۵ درصد از شاغلان کل کشور در این ۱۰ رسته فعالیت دارند و حدود ۳٫۷ میلیون نفر در این زیر بخش‌ها به‌طور مستقیم امرارمعاش می‌کنند و حداقل ۱٫۴۳ میلیون نفر از آن‌ها مزدبگیر این رسته‌های شغلی هستند. بر اساس آمارهای وزارت کار، از مجموع ۶٫۲ میلیون شاغل در بخش‌های خصوصی و تعاونی، ۲٫۶ میلیون نفر بیمه‌شده و ۳٫۶ میلیون نفر فاقد بیمه هستند. در دوران بحران‌ها مانند کرونا، فقدان بیمه و

حمایت‌های مالی، بر تزلزل و افزایش مشکلات کسب‌وکارها، اثری فزاینده داشته است (وزارت کار، ۱۳۹۹).

دو علت مهم بر آسیب‌پذیری بیشتر کسب‌وکارهای زنان در دوران پاندمی کووید ۱۹، اول، حضور زنان و جایگاه ایشان در بخش غیررسمی و خدمات اقتصاد بازمی‌گردد. درواقع، بیشترین تعداد کارکنان غیررسمی بخش اقتصاد را در تمام دنیا، زنان تشکیل می‌دهند. رقمی معادل ۴۲ درصد در مقابل ۳۲ درصد برای مردان. بر اساس گزارش‌های، در برخی از مناطق جهان، در دوران کووید ۱۹، زنان با کاهش درآمدی تا ۸۱ درصد هم مواجه بوده‌اند. (گزارش وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، ۱۳۹۹) همچنین کارآفرینان زن، بیشتر در بخش‌های آسیب‌دیده (مانند خدمات شخصی، گردشگری، خرده‌فروشی، هنر و سرگرمی) کار می‌کنند و به‌طور متوسط از نظر مالی انعطاف‌پذیری کمتری دارند و کمتر تمایل دارند تا از مشاوره خارجی و یا فعالیت آنلاین استفاده کنند. (کمسیون اروپا، ۲۰۱۶)

علت دوم به نقش هنجارهای جنسیتی مرتبط است که به زنان القا می‌کند بهره‌وری بیشتر آن‌ها، در خانه است و به مردان می‌گوید که کارایی بیشتری در بازار کار خواهند داشت. این هنجارهای جنسیتی سبب می‌شوند با تعطیلی مراکز نگهداری از کودکان و مدارس، زنان شاغل در خانه به ایفای نقش‌های مادری پردازند و به‌موازات آن نقش و سهم خود را در بازار کار کاهش دهند. (گراپر و همکاران، ۲۰۲۱)

بحران کرونا در ایران نیز، به مشکلات متعددی برای کسب‌وکارها، منتهی گردید. پس از اعلام محدودیت‌ها و اعمال قرنطینه از سوی ستاد ملی مقابله با کرونا و مطابق با یافته‌های پیمایش تأثیر ویروس کرونا بر کسب‌وکارهای ایرانی، بیش از ۴۳ درصد از فعالین در حوزه خدمات، دست از کسب‌وکار خود کشیدند. این رقم در مقایسه با بخش صنعت با ۳۷ درصد و بخش کشاورزی با ۲۶ درصد، حاکی از آسیب جدی‌تر به مشاغل حوزه خدمات است (پژوهشکده آمار: ۱۳۹۹).

شایان ذکر است که بدانیم در ایران بر اساس آمارها، زنان کمتر تحصیل کرده یا با تحصیلات کم، زنان روستایی و زنان در مناطق محروم بیشترین درصد از مشاغل غیررسمی را در اختیار دارند و طبیعتاً بیشترین آسیب از پاندمی کرونا، گریبان گیر این قشر شده است. (گزارش وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، ۱۳۹۹) اما تمامی گزارش‌ها و آمارها، بدون توجه به تجربه زیسته زنان کارآفرین یا خوداشتغال و دارای کسب‌وکار خانگی، تصویری از شرایط را ترسیم کرده است. در این مقاله قصد داریم، شرایط شغل‌های خانگی زنان و مشکلات و چالش‌های آن‌ها را از گذر تجربه‌شان در دوران کوید ۱۹ مورد مطالعه قرار دهیم.

مرور تجربی تحقیقات پیشین

با توجه به نوظهوری پدیده کرونا، تحقیقات تجربی پرشماری متناسب با موضوع این پژوهش در داخل کشور، وجود ندارد و از این جهت با فقر منابع نظری و تجربی مواجه هستیم. هرچند که مقالات و تحقیقات خارجی بسیاری در این باب نوشته شده و سازمان ملل، سازمان بین‌المللی کار و سایر سازمان‌های توسعه‌ای طرح‌ها و ایده‌های مختلفی را در نقاط مختلف جهان به انجام رانده‌اند. برخی از تحقیقات پیرامون، کسب‌وکار زنان و کرونا در ادامه ارائه شده است.

جدول ۱- پیشینه پژوهش‌های داخلی و خارجی

عنوان پژوهش	نویسندگان	سال	روش‌شناسی و خلاصه یافته‌ها
فضای کسب‌وکار در مواجهه با کرونا و ویروس	لیلی نادری و همکاران	۱۳۹۹	این مقاله، هدفش بررسی پیامدهای اجتماعی-اقتصادی ویروس کرونا با رویکرد بهبود و سالم‌سازی فضای کسب‌وکارها بوده و سعی کرده تا از اطلاعات، اسناد و مدارک موجود، کتب، مقالات استفاده کند و به روش توصیفی-تحلیلی، وضعیت کسب‌وکار زنان در دوران کرونا را بررسی نماید.

عنوان پژوهش	نویسندگان	سال	روش‌شناسی و خلاصه یافته‌ها
Bearing the brunt: the impact of Covid-19 on women	Sofia Fernandes	۲۰۲۱	در گزارشی از اتحادیه اروپا، بیان شده که همه‌گیری تأثیر بدی بر زنان کارگر داشته است. در بخش خدمات غذایی و اسکان ۸۸۰ هزار شغل ازدست‌رفته که ۵۳۵ هزار شغل در اختیار زنان بوده است. همچنین یافته‌های این گزارش نشان داده که سیاست‌های ایجاد شغل به‌طور چشمگیری به نفع مردان بوده و بیشتر با مهارت‌های مردان عجین شده است. کارگران غیراستاندارد هم در این میان بیش از کارگران تمام‌وقت برکنار شده‌اند. از آنجایی که زنان بیشترین درصد کارگران پاره‌وقت را تشکیل می‌دهند بیش‌تر هم در معرض اخراج دائم یا موقت بوده‌اند. نکته مهم دیگر این است که زنان با کاهش ساعات کاری خود برای مراقبت از کودکان و سالمندان در خانه مواجه بوده‌اند و این امر، امکان ارتقا و وضعیت شغلی آن‌ها را در دوره پساکرونا بسیار محدود می‌کند و به شکاف جنسیتی بیشتر در بازار کار منجر می‌شود. (فرناندز و همکاران، ۲۰۲۱)
The Coronavirus and the challenges for women's work in Latin America	Diana Gutiérrez, Guillermina Martin, Hugo Ñopo	2020	تعطیلی اقتصادی در نتیجه ترکیبی از اقدامات سختگیرانه مانند خود قرنطینی، قرنطینه اجباری، ظرفیت محدود افراد در فروشگاه‌های تجاری، کارخانه‌ها و ادارات، مرزها، اثرات اقتصادی و اجتماعی عمیقی را در آمریکای لاتین ایجاد کرده است. در بازار کار این به معنای شوک برای عرضه و تقاضا

عنوان پژوهش	نویسندگان	سال	روش‌شناسی و خلاصه یافته‌ها
			<p>در داخل خانوارها و هم به معنای افزایش حجم کار بدون دستمزد برای زنان، است. اثرات و عمق بحران برای زنان و مردان متفاوت بوده است، بنابراین باید از فرمول‌های کلی اجتناب کرد زیرا می‌توانند شکاف‌های جنسیتی را افزایش دهند. این مقاله به بررسی تأثیرات بحران بر اشتغال در شانزده کشور منطقه پرداخته است. علاوه بر این، تأثیرات جنسیتی با چهار لنز: جوانان، افراد فقیر، روستایی و سرپرستان خانوار مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. در آخر مجموعه‌ای از گزینه‌های سیاستی باهدف ادغام رویکرد جنسیتی در تمام چرخه پاسخ اجتماعی-اقتصادی ارائه شده است. سیاست‌های پیشنهادی در سه حوزه اصلی: خانه، محل کار و فضاهای بین کار و خانه متمرکز است (گوتیرز و همکاران، ۲۰۲۰).</p>
Entrepreneurial prospects and challenges for women amidst COVID-19: a case study of Delhi, India	S, Kumar. S, Prasad. Mukherji & N, Singh	2021	<p>هدف این مقاله مطالعه حمایت جنسیتی و عوامل بازدارنده بر زنان کارآفرین در دهلی و در دوران بیماری همه‌گیر کرونا و ویروس است. در این مطالعه از روش‌های ترکیبی برای کشف چالش‌های پیشروی زنان کارآفرین استفاده شده است. در مجموع ۵۰ زن جوان کارآفرین مستقر در دهلی با استفاده از گلوله برفی/ نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. از پرسشنامه و مصاحبه‌های شخصی با زنان در صنایع کوچک (NSIC) و خرد، کوچک و شرکت‌های استفاده شده</p>

عنوان پژوهش	نویسندگان	سال	روش‌شناسی و خلاصه یافته‌ها
			<p>است. یافته‌ها نشان می‌دهد که زنان کارآفرین با بودجه کم مواجه هستند. چالش‌ها در زمینه بازار، مالی، سرمایه اجتماعی، حمایت خانواده و آگاهی علاوه بر دسترسی به منابع/سیاست‌های ایالت هم در شرایط استارت‌آپ و هم در شرایط بحرانی اثر می‌گذارد. اگرچه حساسیت جنسیتی، سابقه خانوادگی کارآفرینی و دسترسی برابر به فناوری و اینترنت زنان کارآفرین را قادر می‌سازد تا شرکت‌های خود را تأسیس کنند اما سلطه مردان در خانواده، جامعه، بازار و دستگاه‌های دولتی یعنی همه‌جا وجود دارد و به‌عنوان گلوگاهی برای استارت‌آپ‌های تحت مالکیت زنان است. این مطالعه پیچیدگی مردسالاری را که زنان را با مشکل مواجه می‌کند، برجسته کرده و نشان می‌دهد که کارآفرینان در همه حوزه‌های خانوادگی، اجتماعی، بازار و دولتی؛ بنابراین، سیاست‌گذاری و اجرایی با آن مواجه هستند (کومار و همکاران، ۲۰۲۱).</p>

چارچوب مفهومی

در این بخش به معنای تحلیل یافته‌های میدانی از چارچوب مفهومی استفاده شده که از چهار منظر اقتصادی، مطالعات جنسیتی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی، به بحران‌های کسب‌وکار زنان در دوران کرونا می‌پردازند و آن‌ها را مورد تحلیل قرار می‌دهند.

- اشتغال غیررسمی و متزلزل:

اشتغال زنان پدیده‌ای چندوجهی است که علاوه بر بعد اقتصادی روبنای اجتماعی نیز محسوب می‌شود. بدین معنا که تغییر و تحول در این روبنا الگوها و نقش‌های اجتماعی زنان را دستخوش تغییر می‌کند. امروزه ضرورت‌های اقتصادی سبب نیاز فوری زنان به اشتغال شده است. (زعفرانچی، ۲۵:۱۳۸۸). در اقتصاد معاصر، اشتغال غیررسمی و رسمی به‌طور جدایی‌ناپذیری درهم‌تنیده شده‌اند. به‌طوری‌که حتی مدرن‌ترین بخش‌های اقتصاد هم گاهی اوقات به‌طور غیرمستقیم، وابسته به کالاها و خدمات تولیدشده توسط کارگرانی است که فاقد مزایا، فاقد قراردادهای رسمی یا حمایت‌های قانونی هستند (روسالدو، ۲۰۱۲). در تعریف اشتغال غیررسمی می‌توان به چند مؤلفه اصلی اشاره کرد: فقدان بیمه، عدم ثبت در مرکز آمار، عدم پرداخت مالیات اکثریت شاغلان غیررسمی، وجود مشکل گسترده بیکاری در این حوزه از اقتصاد.

این واقعیت که اکثر فقیرترین افراد جهان در اقتصاد غیررسمی کار می‌کنند، برخی از ناظران را بر آن داشته که اصطلاحات «غیررسمی» و «فقیر» را تقریباً مترادف باهم بکار ببرند همان‌طور که برخی اصطلاحات مرتبط با آسیب‌پذیری مانند «طردشدگی» و «حذف‌شدگی»، غالباً مترادف باهم بکار می‌روند؛ اما واقعیت آن است که نه همه کارگران غیررسمی فقیر هستند و نه همه افراد فقیر در اقتصاد غیررسمی کار می‌کنند. حال آنکه تمایل به ادغام اصطلاحات غیررسمی و فقر حداقل دو خطر را برای مطالعه اقتصاد غیررسمی ایجاد می‌کند: اول، تمرکز موجب نادیده گرفتن سلسله‌مراتب در اقتصاد غیررسمی می‌شود- به این معنا که همه کسانی که در اقتصاد غیررسمی کار می‌کنند، لزوماً کارگر نیستند و میزان درآمد و فقر آنها هم با یکدیگر یکسان نیست.

ویگو^۱ پس از مروری بر پنج مطالعه تحقیقاتی در ۲۰ کشور در حال توسعه و تازه صنعتی شده، نشان داد که یک سلسله‌مراتب درآمد و فقر در اقتصاد غیررسمی وجود دارد؛

یعنی کارگران غیررسمی صنعتی، کمترین دستمزد را دریافت می‌کنند، پس‌از آن کارگران مزدبگیر و کارگران خانگی و پس‌از آن کارگران خوداشتغال و درنهایت پس‌از آن «کارمندان غیررسمی عادی» قرار دارند. کارفرمایان غیررسمی هم بالاترین میانگین درآمد و کمترین خطر فقر را دارند. از سوی دیگر یک تفاوت جنسیتی هم وجود دارد و آن اینکه مردان در بالای این قطب سلسله مراتبی، بیشترین حضور و زنان کمترین حضور را دارند (روسالدو^۱، ۲۰۱۲). سویدر^۲ (۲۰۱۲) از مفهوم دیگری سخن می‌گوید که تلفیقی از کار غیررسمی (غیرقانونی) و کار پرمخاطره (دستمزد پایین، عدم حمایت اجتماعی و ثبات شغلی) است. او از اصطلاح «کار غیررسمی متزلزل» برای نشان دادن بی‌ثباتی شغل و غیررسمی بودن آن استفاده می‌کند (روسالدو، ۲۰۱۲).

- فشار مضاعف:

کار خانگی که معمولاً «کارخانه» نامیده می‌شود، معمولاً با «کار زنان» ترکیب می‌شود. کارهای خانه شامل مراقبت از کودکان، پخت‌وپز، شستشو، نظافت و به‌طور کلی می‌شود. نگهداری خانگی این به‌عنوان مجموعه‌ای از فعالیت‌های چندوظیفه‌ای تلقی می‌شود که بر زندگی روزمره زنان مسلط است، بانگیزه عشق، وظیفه، مراقبت و توجه به خانواده و اصل و نسب و نه سود مالی (فاهی، ۲۰۱۹). به‌زعم آبوت و والاس، زنان را در درجه اول مسئول مراقبت از سلامتی و بهداشت خانواده‌هایشان می‌دانند و آنان در مقام تیمارداران غیررسمی بدون مزد، نقش مهمی در نگهداری از بیماران، معلولان، سالمندان و دیگر گروه‌های وابسته، ایفا می‌کنند (آبوت و والاس، ۱۳۸۵: ۱۶۸)؛ بنابراین در دوران پاندمی کرونا، ایفای نقش‌های خانوادگی و کارخانگی که به‌واسطه افزایش پروتکل‌های بهداشتی بیشتر هم شده، موجب گشته که زنان از شغل خارج از خانه صرف‌نظر کنند یا کسب‌وکارشان را موقتاً تعطیل نمایند.

از نظر گراهام، خدمات بهداشتی که زنان ارائه می‌دهند، سه جنبه دارد: تدارک بهداشت، آموزش بهداشت و میانجی‌گری برای کمک تخصصی در مواقع بحرانی؛ یعنی از یکسو زنان مسئول بهداشت در خانه و خانواده‌اند و از سوی دیگر مسئولیت آموزش بهداشت به فرزندان خود را بر عهده دارند. همچنین تصمیم‌گیری‌هایی پیرامون ضرورت مراجعه به پزشک نیز به با زنان است. بر همین اساس، اگر خانواده‌ای از تندرستی بی‌بهره باشد، گناه آن را به گردن زنان خانواده می‌اندازند. در واقع زنان در برابر ملت مسئول پرورش بچه‌های تندرست و حفظ و مراقب از سلامتی مردان خود نیز شناخته می‌شوند (آبوت و والاس، ۱۳۸۵: ۱۶۸-۱۶۹). از این جهت در پاندمی همچون کرونا نیز، زنان غالباً مجبور به ترک شغل خود و یا پاره‌وقت کردن آن یا حضور در اقتصاد غیررسمی و خوداشتغالی هستند.

- تاب‌آوری جنسیتی!

انجمن روانشناسی آمریکا (۲۰۱۴) تاب‌آوری را به‌عنوان فرآیند سازگاری خوب در مواجهه با ناملازمات، تروما، تراژدی، تهدیدها یا حتی منابع مهم استرس می‌داند. اگرچه این تعریف مفید است، اما منعکس‌کننده ماهیت پیچیده تاب‌آوری نیست. عوامل تعیین‌کننده تاب‌آوری شامل مجموعه‌ای از عوامل بیولوژیکی، عوامل روان‌شناختی، اجتماعی و فرهنگی که در تعامل با یکدیگر هستند و تعیین می‌کنند که چگونه به تجربیات استرس‌زا پاسخ دهند. در تعریف تاب‌آوری، مهم است که مشخص شود تاب‌آوری به‌عنوان یک ویژگی، یک فرآیند یا یک نتیجه در نظر گرفته می‌شود یا خیر. هرچند که اغلب بهتر است در بررسی اینکه آیا تاب‌آوری وجود دارد یا خیر رویکردی دوگانه داشته باشیم. در واقعیت، تاب‌آوری در پیوستاری شامل درجات مختلف و در حوزه‌های متعدد زندگی وجود دارد (پترزاک و سات ویک، ۲۰۱۱). تاب‌آوری ممکن است در طول زمان

1. Gender Resilience
2. Pietrzak & Southwick. 2011

به‌عنوان تابعی از توسعه و تعامل فرد با محیط نشان داده شود؛ اما همواره تاب‌آوری در متن تعامل با انسان‌های دیگر، موجودات، منابع موجود، فرهنگ‌ها و مذاهب خاص، سازمان‌ها، جوامع دیده می‌شود.

تاب‌آوری، اگرچه یک مفهوم بحث‌برانگیز، است اما تلویحاً به «توانایی مقاومت در برابر چالش‌های جدی زندگی و پس زدن از آن‌ها» اشاره دارد و می‌توان از آن به‌عنوان یک «استعاره تحرک برانگیز و بسیج‌کننده»^۱ یاد کرد که در چالش‌ها، نامالیقات اجتماعی و تنش‌های روانی به کار می‌رود. در اکثر پژوهش‌ها و اغلب نظریه‌پردازان تمایل دارند از تاب‌آوری به‌عنوان یک فرآیند مثبت و پویا که انگیزه اقدام برای غلبه بر مسائل اجتماعی، طرد اقتصادی و انفعال را در سطح جمعی یا فردی فراهم می‌آورد، یاد کنند.

به‌عنوان مثال کوسیس و پاشو^۲ (۲۰۱۷)، یک چارچوب مفهومی فراگیر را پیشنهاد می‌کنند که اشکال جایگزین تاب‌آوری در مواجهه با نامالیقات را ارائه می‌کند. این مفهوم نه‌فقط در تأمین نیازهای اولیه بلکه در جهت بهبود شیوه زندگی از طریق اقدام جمعی - مبارزه برای حقوق بشر، حقوق جنسیتی، منابع و غیره - اشاره دارد. ادبیات تاب‌آوری بر بسیج منابع خارجی به‌عنوان استراتژی‌های تاب‌آوری یعنی منابعی مانند آژانس‌های دولتی و اجتماعی، شبکه‌های اجتماعی و سازمان‌های داوطلبانه اشاره دارند.

جنسیت، یک عامل تعیین‌کننده تاب‌آوری است و نشان می‌دهد تاب‌آوری برای مردان ممکن است شکل، معنا و بیانی کاملاً متفاوت از زنان داشته باشد. مطالعات متعددی اهمیت جنسیت را در درک تاب‌آوری در سطح فردی و جمعی در بخش‌های مختلف جهان و در ارتباط با منابع متعدد نامالیقات نشان می‌دهند. این مطالعات نشان می‌دهد که برای درک کامل تاب‌آوری، لازم است به مفهوم جنسیت در هنگام مطالعه تأثیر نامالیقات بر مردم، انواع منابع آن‌ها و نحوه تعامل آن‌ها با عاملیت و ساختار توجه شود.^۳

-
1. Mobilizing metaphor
 2. Kousis and Paschou. 2017
 3. Papa Georgiou & Petousi. 2018

- مفهوم حساسیت جنسیتی^۱:

بحران‌ها می‌توانند از مجموعه‌ای از رویدادهای غیرمنتظره از جمله شوک‌های اقتصادی و مدنی، ناآرامی و آوارگی مردم، تروریسم و بلایای طبیعی پدید آیند. چنین وسعتی از رویدادها، نشان می‌دهد که تأثیرات بحران‌ها می‌تواند بسیار متفاوت باشند. بحران‌ها، ممکن است کوتاه‌مدت باشند یا ممکن است در یک دوره طولانی مدت ظاهر شوند. همچنین ممکن است در مکان و نقاط مختلف جهان، تأثیر متفاوت (محلی، منطقه‌ای یا جهانی) داشته باشند. علاوه بر این ممکن است تأثیرات متفاوتی در بین گروه‌های جمعیتی، مشاغل و جامعه داشته باشند (مانولوا و همکاران^۲، ۲۰۲۰).

توانایی هر گروه برای پاسخگویی به بحران و بهبودی از آن، به عوامل مختلفی وابسته است. در مورد کسب و کارهای خانگی و کارآفرینی، این عوامل به تاب‌آوری به‌عنوان یک ویژگی شخصی مربوط است؛ اما مطالعات نشان داده که عناصر دیگری از جمله عوامل اجتماعی مانند تعبیه و دسترسی به منابع هم نقش دارند (کوسک و پریجینو^۳، ۲۰۱۶). بسیاری از دولت‌های ملی طرح‌های مرخصی، کمک‌های بلاعوض و وام‌ها را در دوران کرونا، ارائه کرده‌اند که برخی از آن‌ها به‌ویژه کسب و کارهای کوچک و بخش‌های آسیب‌دیده را، هدف قرار می‌دهند. این دست حمایت‌های مالی نشان‌دهنده اهمیت انعطاف‌پذیری و تاب‌آوری کسب و کارها و کارآفرینی‌هاست. انعطاف‌پذیری ممکن است با تطبیق کسب و کار، نشان داده شود (کاولینگ و همکاران^۴، ۲۰۱۵)؛ اما لازم است تا سازمان‌ها در راستای اعطای حمایت‌ها در دوران بحران به مفهوم حساسیت جنسیتی توجه داشته باشند.

حساسیت جنسیتی به آگاهی پیرامون نیازهای متفاوت زنان و مردان و اراده بر توجه به تفاوت‌های زنان و مردان در عرصه‌های مختلف را در فرایند مداخلات و

-
1. Gender sensitivity
 2. Manolova & et al. 2020
 3. Kossek & ET AL. 2016
 4. Cowling & et al. 2015

تصمیم‌گیری‌ها، اشاره دارد. این مفهوم به ادغام سیستماتیک دیدگاه برابری جنسیتی در طراحی، اجرا، نظارت و ارزیابی مداخلات اشاره دارد با این هدف که دختران و زنان، پسران و مردان به‌طور یکسان از این مداخلات بهره‌مند شوند و برابری جنسیتی ترویج گردد. توجه به چنین اقداماتی نیازمند حساسیت جنسیتی است به این معنا که بپذیریم تفاوت‌ها و نابرابری‌هایی بین زنان و مردان وجود دارد و نیازمند توجه است.

سازمان بین‌المللی کار شاخص‌هایی را با دیدگاه مبتنی بر حساسیت جنسیتی پیرامون

ایمنی و بهداشت شغلی زنان و مردان ارائه کرده که در ادامه آمده:

- شناسایی و ارزیابی شرایط مختلف کاری زنان و مردان از جمله آن‌هایی که در طول

زمان تغییر می‌کند.

- ارتقای دانش و درک تأثیر شرایط و محیط کار بر سلامت شغلی زنان و مردان.

- شناسایی زمینه‌های اصلی در تعیین اولویت‌ها و توسعه مؤثرترین اقدامات پیشگیرانه

برای زنان و مردان.

- تخصیص منابع کافی با توجه به نیازهای واقعی زنان و مردان به شیوه‌ای عادلانه.

- ارزیابی و نظارت بر فرایند اقدامات و سیاست‌گذاری‌ها بر اساس جنسیت. (سازمان

بین‌المللی کار، ۲۰۱۳)

در دوران کووید ۱۹، اگرچه اقدامات حمایتی در کشورهای مختلف توسط دولت‌ها

اجرا شده، اما عموماً این حمایت‌ها فاقد حساسیت جنسیتی در طراحی سیاست‌ها بوده و

توجه خاصی به زنان نداشته است. حال آنکه لازم است تا دولت‌ها برای حمایت از

کسب‌وکارهای کوچک و خود اشتغال‌ها با ابزارهای حمایت از نقدینگی (مانند وام و

یارانه دستمزدی به همه مشاغل) عمل کنند؛ بنابراین به نظر می‌رسد که طول مقابله با بحران

کرونا، کارآفرینان زن به‌اندازه کارآفرینان مرد سود نبرده‌اند زیرا که از یکسو به‌طور

متوسط دارای کسب‌وکارهای کوچک‌تری هستند و به‌طور متوسط، کمتر از وام‌های بانکی

استفاده می‌کنند (OECD, 2020).

سؤالات پژوهشی

- زنان، چه سختی‌ها و دشواری‌هایی را شرایط پاندمی کرونا تجربه کرده‌اند؟
- مشکلات کسب‌وکارهای آن‌ها، چه پیامدهایی را بر زندگی خصوصی و اجتماعی‌شان داشته است؟

روش‌شناسی

در این مقاله از روش تحلیل تماتیک در قالب یک رویکرد کیفی بهره گرفته شده است. تحلیل تماتیک، به گفته براون و کلارک (۲۰۰۶) می‌تواند به‌تنهایی به‌عنوان یک روش تحلیلی باشد و به‌عنوان پایه‌ای برای سایر روش‌های تحقیق کیفی در نظر گرفته شود. استفاده از تحلیل مضمون در پارادایم‌های مختلف پژوهشی مستلزم استفاده از این روش برای اهداف و خروجی‌های متمایز است. پسا اثبات‌گراها می‌توانند از تحلیل مضمون برای تمرکز بر معانی و تجربیات افراد برای به دست آوردن بینش‌هایی در مورد واقعیت بیرونی استفاده کنند؛ اما در بسیاری از جهت‌گیری‌های تفسیرگرا، تحلیل مضمون می‌تواند بر زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی و ساختاری تأثیرگذار بر تجربیات فردی تأکید داشته باشد و توسعه دانش را که از طریق تعامل بین محقق و شرکت‌کنندگان در تحقیق ساخته می‌شود، امکان‌پذیر سازد و معانی اجتماعی را آشکار کند (براون و کلارک، ۲۰۰۶).

موارد مطالعاتی در این مقاله زنانی هستند که یا در کسب‌وکار خانگی شاغل (مانند تهیه غذا و شیرینی و غیره) هستند، یا کارگر مشاغل خدماتی هستند و یا خودشان دارای کسب‌وکاری می‌باشد. در این مقاله با ۱۵ خانم در شرایط فوق، مصاحبه شده است. انتخاب این بانوان با روش هدفمند و گلوله برفی بوده و تا حصول اشباع نظری و تکرار کدها، مصاحبه‌ها ادامه یافته است. مصاحبه‌ها از نوع نیمه ساختمند بود و بین ۴۵ دقیقه تا ۱ ساعت ادامه داشت. نمونه‌هایی از سؤالات در مصاحبه در ادامه آمده است:

- کسب و کارتان در دوران کرونا چه وضعیتی دارد؟
 - با چه مشکلاتی در این دوران مواجه شدید؟
 - چطور این مشکلات را پست سر گذاشتید؟
 - چه حمایت‌هایی را دریافت کردید؟
 - مشکلات در دوران کرونا چه مشکلاتی در روحیه شما ایجاد کرد؟
- پیرامون پایایی (قابلیت اعتماد)، شایان ذکر است که هدف اصلی کدگذاران، رسیدن به بالاترین سطح توافق بود و این در نرم‌افزار مکس کیو.دی. ای، به معنای انطباق و عدم انطباق میان کدگذاران مستقل، است؛ بنابراین در مقاله کدگذاری مجدد بر روی ۲ مصاحبه توسط کدگذار مستقل دوم، انجام شده و پایایی برای مصاحبه‌ها به شرح زیر است:

جدول ۳- پایایی تحقیق (توافق کدگذاران)

میزان توافق دو کدگذار	شماره مصاحبه
۸۳,۹۵	۱۰
۷۸,۲۶	۷
۸۱,۱۰۵	میانگین توافقی‌های به دست آمده

همان‌طور که در جدول ۳ مشخص است، میانگین پایایی ۲ مصاحبه برابر با ۸۱,۱۰۵ درصد است که بالای ۷۰ درصد است و قابل قبول می‌باشد. اعتبار در تحقیقات کیفی به شکل توصیفی، تبیینی و تئوریک است. در این مقاله از روایی تئوریک استفاده شد که به میزان سازگاری بین تبیین تئوریک تحقیق کیفی و داده‌ها ارتباط دارد و معمولاً انتزاعی‌تر از توصیف و تفسیر است. در هر تئوری، علاوه بر مفاهیم و دسته‌بندی، روابط میان مفاهیم هم وجود دارد. از آنجاکه در این تحقیق کیفی، کدگذاری نیز به شیوه نیمه‌باز انجام شده، کل‌گیری کدها و مفاهیم در رفت و بازگشت میان تئوری و داده شکل گرفته و روایی تحقیق را ایجاد کرده است. علاوه بر این با استفاده از استراتژی مطالعه میدانی گسترده، محقق سعی کرده در این مقاله زمان کافی را برای مطالعه مشارکت‌کنندگان پیش از مصاحبه داشته باشد.

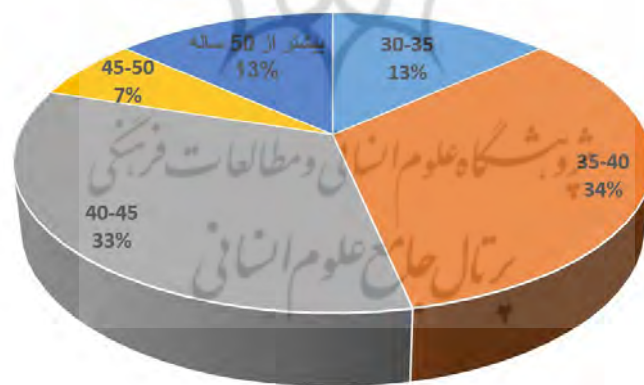
پیرامون رضایت مصاحبه‌شوندگان نیز باید گفت که پیش از مصاحبه، محقق توضیحاتی را پیرامون نوع تحقیق و هدف آن به زنان پاسخگو داده و در مورد ضبط مکالمه‌شان نیز اطلاع داشتند. مصاحبه‌شوندگان نسبت به شرکت در تحقیق رضایت کامل داشته و اسامی آن‌ها نیز به شکل مستعار در تحقیق آمد. در جدول زیر، اطلاعات مصاحبه‌شوندگان درج گردیده است:

جدول ۴- اطلاعات مصاحبه‌شوندگان

شغل	تعداد فرزندان	وضعیت تأهل	تحصیلات	سن	اسامی مستعار	کد مصاحبه‌شونده
کار خدماتی در تالار عروسی	۲	مطلقه	دیپلم	۳۷	جمیله	۱
معلم (نیروی آزاد)	۲	متاهل	لیسانس	۴۰	مریم	۲
خادم و کلیددار مسجد	۲	بیوه	دیپلم	۴۱	مهین	۳
تهیه عرقی جات	۵	بیوه	بی سواد	۶۰	زهره	۴
اپیلاسیون کار	۱	مطلقه	لیسانس	۳۷	ریحانه	۵
لحاف دوز	۳	بیوه	ابتدایی	۴۵	فاطمه	۶
شیرینی‌پزی	۱	متاهل	دیپلم	۳۵	حمیده	۷
شیرینی‌پزی	۱	مطلقه	دیپلم	۳۴	طوبی	۸
خیاطی	۱	بیوه	دیپلم	۴۱	مهدیه	۹
سفره آرا	۲	مطلقه	فوق دیپلم	۳۹	سعیده	۱۰
سوهان‌پزی	۱	مطلقه	دیپلم	۴۴	غزاله	۱۱
پرده‌دوزی	۲	مطلقه	دیپلم	۴۲	گوهر	۱۲
شیرینی‌پزی	۲	متاهل	دیپلم	۳۵	راحله	۱۳
مدیر مهدکودک	-	مجرد	فوق لیسانس	۳۲	کیمیا	۱۴
شیرینی‌پزی	۸	بیوه	بی سواد	۷۰	هاجر	۱۵

یافته‌های تحقیق

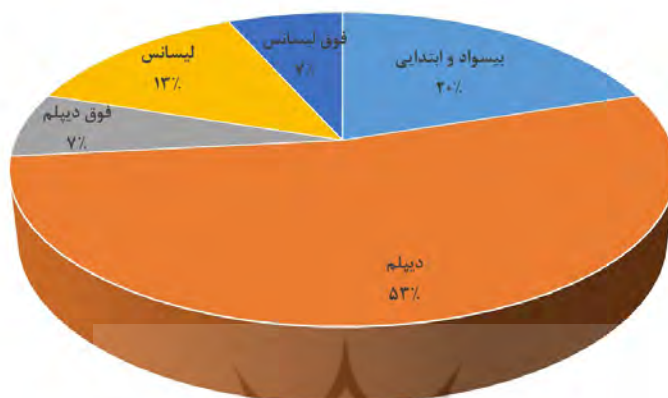
در این پژوهش، با ۱۵ زن سرپرست خانوار مصاحبه شد که یک نفر از آن‌ها خودسرپرست (مجرد)، ۳ نفر از آن‌ها متأهل اما در خانوارهای زن-سرپرست هستند و ۱۱ نفر نیز زنان بیوه و سرپرست خانوار هستند. جوان‌ترین مصاحبه‌شونده ۳۲ ساله و مسن‌ترین آن‌ها ۷۰ ساله است. ۷ نفر از زنان در گروه سنی ۳۰ تا ۴۰ ساله، ۶ نفر در گروه سنی ۴۰ تا ۵۰ ساله و ۲ نفر بیشتر از ۵۰ سال سن دارند. از منظر تحصیلات و سواد، ۳ زن بی‌سواد و یا دارای سواد ابتدایی، ۸ زن دیپلم، ۱ زن فوق‌دیپلم، ۲ زن لیسانس و ۱ زن دارای مدرک فوق‌لیسانس است. همه زنان بیش از پنج سال سابقه کار دارند. ۱۰ نفر از آن‌ها ۱۰ سال یا بیشتر کار کرده‌اند. شغل همه مصاحبه‌شوندگان نیز در بخش غیررسمی و غیردولتی است و به‌نوعی از کرونا ضربه دیده است. ۵ نفر از زنان به گفته خودشان برای همیشه کارشان را از دست داده‌اند. ۵ نفر موقتاً بیکار و ۵ نفر با افت شدید درآمدی مواجه شده‌اند. بسیاری از زنان سرپرست خانوار در این پژوهش کسب‌وکارهای خرد خانگی مانند شیرینی‌پزی، لحاف‌دوزی، خیاطی، تهیه عرقی جات دارند.



■ بیشتر از 50 ساله ■ 30-35 ■ 35-40 ■ 40-45 ■ 45-50

نمودار ۱- درصد فراوانی گروه‌های سنی زنان مورد مصاحبه

همان‌طور که در نمودار شماره ۱ آمده، بیشترین درصد از افراد مصاحبه‌شونده در گروه سنی ۳۵-۴۰ ساله (۳۴ درصد) قرار دارند و بعد از آن گروه سنی ۴۰ تا ۴۵ ساله (۳۳ درصد).



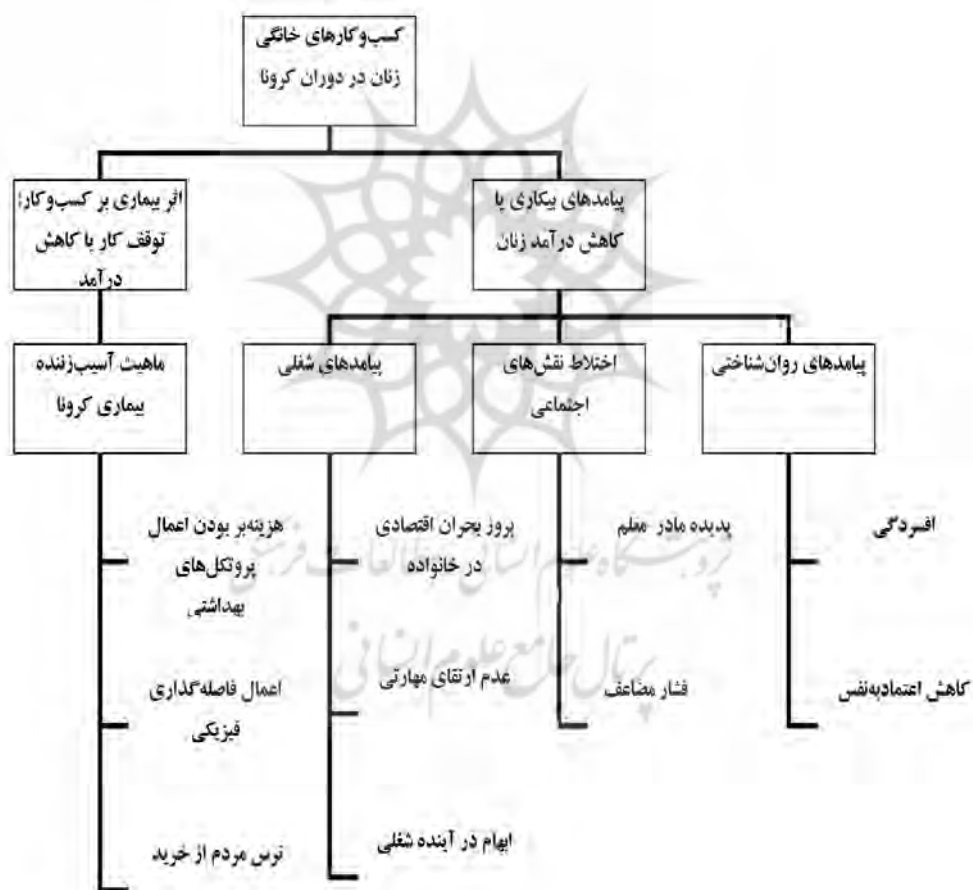
نمودار ۲- درصد فراوانی زنان مورد مصاحبه بر حسب تحصیلات

از منظر تحصیلات نیز، بیشتر درصد افراد مورد مطالعه یعنی معادل با ۵۳ درصد دارای مدرک دیپلم هستند و تحصیلات دانشگاهی ندارند. همچنین ۲۰ درصد هم بی‌سواد یا دارای مدرک ابتدایی. به نظر می‌رسد در این میدان مطالعه، مشاغل خانگی مبتنی بر کارهای خدماتی در اختیار زنان فاقد تحصیلات دانشگاهی و دارای مهارت‌های تجربی باشد.

در بخش یافته‌های تحلیلی و پس از انجام مصاحبه‌های نیمه عمیق و نیمه ساختمند، در مجموع ۲ مقوله اصلی، ۴ مقوله فرعی، ۱۲ مفهوم و ۱۱۰ عبارت استخراج گردید. در ادامه با مطرح کردن هر یک از سؤالات تحقیق، پاسخ‌هایی برای آن‌ها با توجه به یافته‌های میدانی ارائه می‌شود.

در پاسخ به سؤال اول پژوهش: زنان، چه سختی‌ها و دشواری‌هایی را شرایط پاندمی کرونا تجربه کرده‌اند؟ مشخص شد که زنان دارای کسب و کارهای خانگی و مورد مطالعه در دوران کووید ۱۹ با کم شدن حجم اشتغال و درآمد در این دوره، تعطیلی موقت و یا تعدیل حجم کار، مواجه شده‌اند. علت این امر، هم ناشی از ماهیت بیماری کرونا بوده که

موجب گشته، فاصله‌گذاری فیزیکی مورد تأکید باشد یا علت‌های دیگری مانند ترس مردم از مبادله و خرید و فروش، ترس از خود بیماری و ماهیت سرایت سریع آن، مورد نظر بوده است. از آنجاکه زنان مورد مطالعه سرپرست خانوار هستند و بیماری آن‌ها نه فقط از منظر بهداشتی بلکه از منظر اقتصادی هم تهدید برای معیشت خانواده‌شان است، همواره نگرانی و دغدغه زیادی برای بیمار نشدن داشته‌اند. حال آنکه رعایت پروتکل‌های بهداشتی هم نیازمند هزینه بیشتر در بسته‌بندی یا در بهداشتی کردن خود افراد مشغول به کار بوده و به دغدغه‌های آنان افزوده است.



نمودار ۳- مقولات اصلی، فرعی و مفاهیم (یافته‌های تحقیق)

مقاله اصلی اول: اثر بیماری بر کسب و کار

مقاله فرعی: ماهیت آسیب‌زننده بیماری کرونا

ماهیت آسیب‌زننده بیماری به سه مفهوم ترس مردم از خرید محصولات خانگی، هزینه‌بر بودن اعمال پروتکل‌های بهداشتی در کسب و کار، اعمال فاصله‌گذاری فیزیکی اشاره دارد که موجب شد در دوران پیش از واکسن همگانی، کسب و کارهای زنان به‌ویژه از نوع خانگی با کاهش درآمد و حتی تعطیلی مواجه شود. در ابتدای شیوع کرونا و با توجه به عدم شناخت دقیق این ویروس، اطلاعات متعدد و پراکنده و گاهی غیر موثقی پیرامون آن وجود داشت؛ مانند اینکه کرونا از طریق سطوح هم منتقل می‌شود و فقط تنفسی نیست یا یک ویروس خوراکی است. تمام این نکات، هم مردم و هم سیاست‌گذاران حوزه ملی بهداشت را سرگردان کرده و از سوی دیگر عدم دسترسی به واکسن، علاوه بر خیل عظیمی کشته‌شدگان در ماه‌های اول و حتی تا انتهای سال اول، ترس از این بیماری را بسیار در جامعه گسترانده بود. سبک زندگی مردم در همه ابعادش دچار دگرگونی شده بود و این موضوع به سبک خرید و یا بهداشتی کردن خریدهای خارج از خانه هم مربوط بود.

زنان هم با توجه به دورکاری و آموزش از راه دور، اغلب نقش‌های جنسیتی را خود را علاوه بر مادری و همسری در حوزه‌هایی چون پخت‌وپز بیشتر در خانه و کاهش استفاده از مواد غذایی آماده خارج از خانه به انجام می‌رساندند. ترس از خرید محصولات غذایی آماده حتی در مواردی نان در ماه‌های اولیه، در میان اقشاری از جامعه به‌ویژه زنان (به‌طور مشخص در قرنطینه اول) وجود داشت.

- هزینه‌بر بودن اعمال پروتکل‌های بهداشتی:

"فنادی‌ها هم به دلیل سخت‌گیری سازمان‌ها و مراکز بهداشتی از من خرید نکردند. دلیلش هم این بود که طبق آنچه آن‌ها می‌گفتند هر نوع اقلام خوراکی فقط باید از طریق کد بهداشت و بسته‌بندی به دست مشتری می‌رسید؛ اما تهیه دستگاه بسته‌بندی برای من دشوار بود". (حمیده)

- اعمال فاصله‌گذاری فیزیکی:

"از طرفی هزینه رفت و آمد از روستا به شهر و برعکس را هم داشتم چون سالن در شهر بود و من ساکن روستا بودم اصلاً برایم نمی‌صرفید. همیشه با همکارم به شهر می‌آمدم اما بعد از کرونا به دلیل رعایت اصول بهداشتی دیگر نتوانستم با ماشین او بروم. به همین دلیل کلاً قید این کار را زدم". (ریحانه)

رعایت فاصله‌گذاری اجتماعی که گاه سبب عدم استفاده از وسایل نقلیه عمومی می‌شد، ابتلا یا ترس از ابتلا به کرونا و همچنین ترس مصرف‌کننده از خرید محصولات، موجب شده تا در این دوران زنان سرپرست خانوار دارای کسب و کارهای خانگی، تصمیم بگیرند که به صورتی موقتی کارشان را تعطیل کنند.

- ترس مردم از خرید محصولات خانگی

"در زمان کرونا درآمدم بسیار کمتر شد. به دو دلیل اولاً می‌ترسیدم باوجود مشکل ربوی که دارم از خانه بیرون بروم اگر کرونا می‌گرفتم کارم تمام بود. بچه‌ها هم نمی‌توانستند آن مواد اولیه را که من نیاز دارم برایم تهیه کنند و از طرفی مردم هم می‌ترسیدند و نمی‌توانستند اعتماد کنند چون موادی که من می‌فروشم بیشتر خوراکی است و مستقیماً با سلامت انسان‌ها سروکار دارد". (زهره)

"در زمان کرونا واقعاً مردم پول نداشتند که بخواهند خیاطی نکنند. انگار زور می‌آمد که بخواهند پول خیاطی بدهند. پول آرایشگاه را مردم خیلی شیرین‌تر (راحت‌تر) از خیاطی می‌دهند. در کرونا نه اینکه مردم بترسند و مراجعه نکنند به من اما واقعاً مشکل اقتصادی داشتند. ترجیح می‌دادند در این ایام پولشان را صرف غذا بکنند نه پارچه و خیاطی خصوصاً که گفته می‌شد. برای مقابله با کرونا باید سیستم ایمنی خودتان را تقویت کنید و مردم پولشان را صرف غذا و میوه و گوشت و... می‌کردند. خودمان یک همسایه‌ای داشتیم که دست کم ماهی یک بار پارچه می‌آورد پیش من از زمان کرونا اصلاً نیامد وقتی گفتم چرا؟ جواب داد شوهرم کرونا گرفت دیگر پولی برایمان نمانده که بخواهم پارچه بخرم تازه شوهرش کار دولتی داشت تکلیف مردم که دیگر مشخص است". (فاطمه)

"مردم می‌ترسیدند و همان تعداد کمی هم که شیرینی تهیه کردند از مغازه‌هایی که

کد بهداشتی داشتند تهیه می کردند". (طوبی)

- مقوله اصلی دوم: پیامدهای بیکاری یا کاهش درآمد زنان

در پاسخ به سؤال دوم تحقیق که می پرسد: مشکلات کسب و کارهای زنان دارای کسب و کار خانگی، چه پیامدهایی را بر زندگی خصوصی و اجتماعی آنها گذاشته است؟ لازم است به نمودار شماره ۳ توجه کرد. پیامدهای بیکار شدن زنان مورد مطالعه در دوران کرونا را می توان در سه بخش روان شناختی و فردی، نقش های اجتماعی و شغلی خلاصه نمود.

اولین و مهم ترین پیامد به شغل زنان مورد مطالعه بازمی گردد. در این دوره به واسطه همان ماهیت آسیب زنده بیماری کرونا و مسری بودن سریع آن و از سوی دیگر با توجه به قرار گرفتن بسیاری از مشاغل خانگی در لیست مشاغل سطح یک از سوی ستاد ملی مقابله با کرونا، این مشاغل به بیکاری و توقف کامل، تعدیل نیرو یا کاهش درآمد مواجه شدند؛ بنابراین در این دوران مراودات و تعاملات حرفه ای میان این زنان نیز با شبکه ای از زنان همکار یا آموزشگاه های ارتقای مهارتی کاهش یافته یا متوقف گردید. عدم ارتقای مهارتی، ابهام در آینده شغلی اینکه تردید داشتند به همین شغل ادامه دهند یا اینکه به واسطه عدم معین بودن زمان اتمام کرونا، عمدتاً به شغل کارگری یا دست فروشی روی آورند، آنها را در توسعه مشاغلشان نیز معطل گردانید.

مقوله فرعی اول: پیامدهای شغلی

- عدم ارتقای مهارتی:

"قبل از کرونا کلاس ها و دوره هایی شرکت می کردم چون در کار ما مدام مدل های جدید کیک و شیرینی می آید برای اینکه از بازار عقب نمانم باید می رفتم و یاد می گرفتم با کرونا این کلاس ها تعطیل شد و هم نتوانستم شرکت کنم بعد که مجدد باز شد من پولی نداشتم که دیگر شرکت کنم. خودم هم در روستا کلاس شیرینی پزی برگزار می کردم

برای خانم‌های علاقه‌مند که آن‌هم تعطیل شد؛ و خب بالاخره روابط دوستانه‌ای که در این کلاس‌ها باعث می‌شد روحیه‌مان عوض شود و حس مفید بودن داشته باشیم از ما گرفته شد". (حمیده)

- ابهام در آینده شغلی:

"حالا که کرونا کسب و کارم را به تعطیلی کشانده فکر نمی‌کنم تا چند سال آینده بتوانم دوباره کارگاهی بزنم برای خودم". (حمیده)

بحران اقتصادی در دوران کرونا از مهم‌ترین پیامدهای شغلی زنان مورد مطالعه بود. زیرا که با توجه به کاهش درآمد، تعطیلی موقت یا حتی اجبار به ترک شغل و روی آوردن زنانی که تا پیش‌ازین مشاغل خانگی محدودی داشتند به شغل‌هایی چون کارگری غیررسمی (بدون قرارداد، روزمزدی و بدون بیمه)، واماندن در دام فقر و به قول عامیانه "هشتشان گروی نهشان مانده"، نداشتن شبکه‌های حمایتی غیررسمی - چراکه خانواده‌های نسبی هم مانند آن‌ها در این دوران وضعیت خوبی نبوده‌اند - آن‌ها را حتی محتاج به تأمین مایحتاج اولیه نموده است. توجه به این نکته اهمیت دارد که اغلب زنان سرپرست خانوار که گاه در سنین بالای ۴۰ مجبور به کار می‌شوند، به علت بد سرپرست بودن (اعتیاد شوهر یا به زندان افتادن او)، بیوگی، یا عدم کفایت درآمدی همسر اتفاق می‌افتد.

آن‌ها اغلب خانواده‌های نسبی و سببی مرفهی ندارند و غالباً فاقد پشتیبانی مالی هستند. پس مجبور می‌شوند که مهارت‌های فردی خود در زمینه‌های پخت‌وپز، شیرینی‌پزی و خیاطی و غیره را گسترش دهند و از آن کسب درآمد کنند. همچنین اغلب آن‌ها از شبکه‌های رسمی حمایتی مانند وام‌های اعطایی دولتی و سایر تسهیلات بانکی با بهره‌های کم یا بی‌اطلاع‌اند یا روند بطیء و طولانی و سختگیرانه آن‌ها را تاب نمی‌آورند یا حتی علی‌رغم گذر از هفت‌خوان رستم، مقدار وام‌ها آن‌قدر ناچیز است که فقط به رفع نیازهای آنی خانواده صرف می‌گردد و خود، دغدغه‌ای می‌شود و قسطی جدید برای پرداخت ماهیانه! (دباغی و محمدی، ۱۴۰۰).

- بحران اقتصادی: این مفهوم خودش شامل دو مفهوم فرعی است که در ادامه

توضیح داده شده است:

- واماندن در دام فقر:

"وقتی آدم پول نداشته باشد قدرت کم‌تری دارد. وقتی پول داشته باشی قدرت خرید بیشتری داری و مجبور نیستی گلایه‌های بچه‌ها را از نداری تحمل کنی من همیشه در این ایام بیکاری با خودم فکر می‌کردم که جهیزیه دخترم را چطور تهیه کنم با کدام پول؟ خب این‌ها فکر و خیال است که آدم را آزار می‌دهد. انگار در تله‌ای گرفتارم که معلوم نیست کی از آن بیرون می‌آیم". (مهدیه)

- عدم توانایی در تأمین امکانات اولیه

"بچه‌ها از شرایط مجازی ضربه خوردند ما یک گوشی خراب داشتیم دو دانش‌آموز خودم هم نیازمند بودم دوباره به آموزش و پرورش شهر مراجعه کردم اما فقط گفتند ان‌شاءالله درست می‌شود با یک مغازه موبایل صحبت کردم فقط نقد می‌دادند از آشناها هم دوست نداشتم قرض کنم می‌ترسیدم نتوانم با شرایط کم‌کاری پولشان را به موقع پس بدهم". (گوهر)

"دخترم که افت تحصیلی داشت چون ما یک گوشی داشتیم و من نیاز داشتم برای کارهای پیچی که زده بودم و دخترم هم برای درس و کلاسش هرچند نهایتاً من گوشی را به او می‌دادم تا کارش را انجام دهد". (ریحانه)

دومین پیامد بیکاری متأثر از بیماری کرونا بر زندگی زنان افزایش اختلاط نقش‌های خانوادگی و اجتماعی آنهاست. با تعطیلی مدارس و دانشگاه‌ها و آموزش از راه دور، هزینه‌های خانواده افزایش یافته، کارهای خانگی و مراقبتی بیشتر شده و علاوه بر این‌ها نقش‌هایی مانند آموزش فرزندان که به نهادهای آموزشی سپرده شده بار دیگر به خانواده بازگشته است. در این دوران به‌وفور کلیپ‌هایی در دنیای مجازی پیرامون عصبانیت‌های مادرانی مشاهده شد که از ناتوانی‌شان در آموزش یا حداقل تأکید و استمرار آموزش معلمان در خانه، فغان داشته‌اند. پدیده مادر-معلمی، فشار مضاعف نقش‌های خانه با

نقش‌های نان‌آوری، برای زنان مورد مطالعه بسیار دشوار بود. همچنین نیاز به مراقبت‌های بهداشتی زیاد در خانه و اعمال پروتکل‌های بهداشتی برای آن‌ها بسیار مشکل‌زا بوده است.

مقوله فرعی دوم: افزایش اختلاط نقش‌های اجتماعی

- پدیده مادر معلم:

"ما خانواده‌ها معلم بچه‌ها شده بودیم به نوعی. این که قرار بود در خانه نقش معلم را هم داشته باشیم خودش در دسر جدید بود". (ریحانه)

"یکی از مشکلاتی که برایم پیش آمد این بود که در زمان کرونا و تعطیلی مدارس نتوانستم پسر را به کلاس اول بفرستم شرایط آموزش مجازی برای من که گوشی هوشمند نداشتم سخت بود تازه امسال پسر را کلاس اول ثبت‌نام کردم فعلاً گفته‌اند مدارس برای کلاس اولی‌ها حضوری است". (جمیله)

"ناسازگاری بین من و دخترم به دلیل درسش (چون ما خانواده‌ها معلم بچه‌ها شده بودیم به نوعی). این که قرار بود در خانه نقش معلم را هم داشته باشیم خودش در دسر جدید بود. از یک طرف و ناسازگاری بین من و پدر و مادرم از سویی دیگر واقعاً امنیت روانی مرا مخدوش کرد. تا قبل از کرونا دخترم به مدرسه می‌رفت و من هم سرکار بخشی از روز را نبودیم و دعواها کمتر بود اما بعد از کرونا واقعاً اوضاع بد شد تا جایی که تصمیم گرفته‌ام از خانه پدرم بروم". (ریحانه)

درواقع، نقش‌های اجتماعی که به واسطه شرایط اقتصادی زنان مورد مطالعه، تغییر کرده و آن‌ها را مسئول نان‌آوری در یک تقسیم کار جنسیتی مدرن ساخته، بار شغلی را نیز بر آن‌ها افزون کرده است. هر چند که زنان مورد مطالعه با ایجاد کسب و کارهای خانگی یا کار کردن در چنین فرمتی تلاش داشته‌اند از فشار ایجاد شده، بکاهند اما تنش‌های روانی ناشی از همه ماندن و تعاملات نزدیک‌تر و طولانی‌تر اعضای خانواده، خود مشکلی دیگر را ایجاد کرده است. در واقع می‌توان گفت که آن‌ها به مادر-نان‌آور ۲۴ ساعته بدل گشته‌اند.

پیامد سوم ناشی از بیکاری زنان مورد مطالعه به پیامدهای روان‌شناختی ایجاد شده در آن‌ها بازمی‌گردد. کار برای زنان مورد مطالعه علاوه بر راهکار تأمین نیازهای مالی، به معنای رهایی از افسردگی و کاهش عزت‌نفس بوده است. حال آنکه در دوران کرونا، نه تنها به واسطه تعطیلی و کاهش درآمد مشاغلشان، آن‌ها نگران معیشت خانواده بوده‌اند، بلکه شغلی را که همه موفقیت خود را در آن، خلاصه می‌دانستند، در این زمان به خطر افتاده است.

مقوله فرعی سوم: پیامدهای روان‌شناختی

- افسردگی:

"به لحاظ اعصاب و روان به هم ریختم. آن اوایل تازه از همسرم جدا شده بودم و بخشی از افسردگی‌ام هم از همان موقع بود که با این تعطیلی‌ها و بیکاری‌ها انگار بیشتر کرد". (سعیده)

- کاهش عزت‌نفس:

"بعد از بیکاری احساس افسردگی می‌کنم و از اینکه خرج زندگی به عهده کس دیگری (پدر همسر و پدر خودم) باشد احساس خوبی ندارم. حتی سر این مسئله همیشه با همسرم درگیری لفظی پیدا می‌کنم". (مریم)

نکته قابل تأکید آن است که این زنان سرپرست خانوار هستند و این، بدین معنی است که نمی‌توان از فرد دیگری انتظار تأمین مایحتاج خانواده را داشت. افسردگی، کاهش عزت‌نفس یا هر نوع پیامد روانی دیگر می‌تواند از توان کاری آن‌ها بکاهد و در دنیای رقابت و بازار کسب‌وکار که اصل بر توانمندی بیشتر است، این موارد تهدیدی برای موجودیت شغل آن‌هاست؛ بنابراین به درستی می‌توان گفت که بیکاری ناشی از کرونا برای زنانی که تا پیش از این می‌توانستند از پس مخارج و هزینه‌های زندگی خود و خانواده‌شان برآیند در ترکیب با سایر مشکلات شخصی مانند تروما یا دوره دردناک فراموشی پس از طلاق و بیوگی، موجب پیامدهای روحی و شخصیتی گاه بلندمدت در زنان می‌شود.

به‌طور خلاصه باید گفت که همه مصاحبه‌شوندگان به یک‌شکل واحد پیامدهای کرونا را تجربه نکرده‌اند اما بسیاری از آن‌ها یک یا چند مورد از موارد زیر را تجربه کرده‌اند. از جمله پیامدهای بیکاری که در اثر کرونا ایجاد شده می‌توان به مفاهیم زیر اشاره کرد: عدم مهارت آموزی برای زنانی که تا پیش‌ازاین از دوره‌ها و کلاس‌های آموزشی برای ارتقای کار و هنرشان استفاده می‌کردند و یا اینکه خودشان کلاس‌های آموزشی برای هنرجویان برگزار می‌کردند، ایجاد پدیده مادر معلمی که تا پیش از کرونا به شکل گسترده رواج نداشته و خود سبب افزایش فشار نقشی بر زنان گشته است به‌طوری که زنان باوجود عدم آشنایی کافی با نظام آموزشی جدید مجبورند به فرزندان خود آموزش دهند که اغلب آن‌ها از این وضعیت پیش‌آمده ناراضی هستند و معتقدند آموزش‌ها کیفیت لازم را ندارند. تحصیلات فرزندان و افت تحصیلی که بعضاً به‌واسطه عدم تأمین زیرساخت‌هایی مانند گوشی هوشمند برای شرکت کردم فرزندان‌شان در کلاس‌های آنلاین، شکل گرفته، آن‌ها را با معضل مواجه ساخته است. می‌توان از این مرحله به‌عنوان توقف توان‌افزایی زنان مورد مطالعه سخن گفت. این توقف در فرایند یادگیری و بهتر شدن، نه تنها ماهیت شغل و پیشرفت آن‌ها در آینده را تحت تأثیر قرار داده بلکه در زندگی اجتماعی و خانوادگی آن‌ها هم تأثیر داشته و توقف در جامعه‌پذیری شغلی را برای آن‌ها به دنبال داشته است.

بحث و نتیجه‌گیری پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

در این مقاله باهدف پاسخ به دو سؤال مهم مبنی بر اینکه زنان خوداشتغال و دارای کسب‌وکارهای خانگی در دوران کرونا با چه مشکلاتی مواجه بوده‌اند؟ و این مشکلات چه پیامدهایی بر زندگی شخصی و اجتماعی آن‌ها گذاشته است؟ به مطالعه ۱۵ خانم در کسب‌وکار خانگی شاغل (مانند تهیه غذا و شیرینی و غیره)، یا کارگر مشاغل خدماتی و یا

خود اشتغالان خانگی، با انجام مصاحبه‌های نیمه عمیق و سپس تحلیل تماتیک مصاحبه‌ها به وسیله نرم‌افزار مکس کیو.دی. ای^۱ ۲۰۱۸ پرداختیم.

در این مقاله ۴ مفهوم اشتغال غیررسمی و متزلزل، تاب‌آوری جنسیتی، حساسیت جنسیتی و فشار مضاعف استفاده شد. پس از کدگذاری نیمه‌باز، در مجموع ۲ مقوله اصلی، ۴ مقوله فرعی، ۱۲ مفهوم و ۱۱۰ عبارت استخراج گردید. یافته‌ها نشان داد که زنان مورد مطالعه در دوران پاندمی کرونا با کاهش تاب‌آوری و فشار مضاعف به واسطه برخورداری از شغلی متزلزل مواجه شده‌اند. کاهش تاب‌آوری زنان به واسطه توقف شغل یا بیکاری یا کاهش فزاینده درآمد آن‌ها در دوران کرونا ایجاد شده است. مشکلی که خود موجب آسیب‌هایی چون افسردگی و کاهش عزت‌نفس برای زنان مورد مطالعه است.

تاب‌آوری که رنگی جنسیتی به خود گرفته و نشان می‌دهد که مردان به علت دسترسی بیشتر به شبکه‌های ارتباطی و شغلی، سرمایه اجتماعی بیشتر، توان عبور از این گلوگاه بحران اقتصادی را دارند اما این برای زنان سرپرست خانوار که نقش نان‌آوری را نیز به مجموع وظایفشان افزوده‌اند، همچون تله فقر ایشان را به دام خود می‌کشاند. افسردگی در این زمان نه فقط به واسطه مشکلات اقتصادی بلکه به علت افزایش نقش‌های جنسیتی و بازگشت نقش‌های پیشین زنان است که در گذشته به نهادهایی چون مدرسه یا مهد کودک واگذار شده بود؛ یعنی نقش آموزشی و مراقب‌تگری. در واقع بروز پدیده مادر معلم که با نقش‌های شغلی و اجتماعی زنان در تلاقی قرار گرفته و نیازمند اختصاص زمانی بیشتر است. حال آنکه زنان سال‌های متمادی است که از نقش آموزشی برای فرزندان فاصله گرفته‌اند و مهارتشان را در این راستا از دست داده‌اند. تغییر محتوای کتب درسی و شیوه‌های آموزشی گواه این ادعاست که فشار بر زنان بیشتر شده است.

در این راستا، نقش دوگانه مادری و سرپرست خانوار بودن که به تضاد نقشی می‌انجامد در ترکیب با پدیده مادر-معلمی موجب ایجاد فشار مضاعف بر زنان شده است. فشاری که دیگر نه فقط از حوزه شغلی، بلکه به واسطه بازگشت نقش‌های مادری به زنان

تحمیل شده است. قرنطینگی، تعطیلی مدارس و دانشگاه‌ها و مجازی شدن آن‌ها، استرس از کلاس جا نماندن فرزندان‌شان و حضور به‌وقت و انجام تکالیف هم بر مجموعه وظایف آن‌ها افزوده شده است.

از سوی دیگر، زنان سرپرست خانوار از امکانات زیرساختی و اولیه کمتری در کسب و کارشان برخوردارند مثلاً فقدان دستگاه بسته‌بندی که محصولاتشان را کدگذاری کند، وسیله نقلیه و یا دسترسی به وام‌های حمایتی برای خرید زیرساخت‌های اولیه؛ بنابراین آسیب‌پذیری کسب و کارشان بیشتر است. آن‌ها غالباً فاقد بیمه هستند و در زمره مشاغل خدماتی و غیررسمی قرار می‌گیرند. مشاغلی که به‌درستی می‌توان عنوان مشاغل متزلزل را بر آن‌ها نهاد. همچنین شرایط بحران کرونا موجب عدم ارتقای شغلی زنان مورد مطالعه شده است.

معمولاً زنان خوداشتغال، در شرایط عادی می‌توانند با شبکه‌سازی، شرکت در کلاس‌های آموزشی مختلف یا عضویت در گروه‌های غیررسمی، بر مهارت‌های شغلی خود بیفزایند و به‌نوعی توانمندی شغلی خود را ارتقا بخشند؛ اما شرایط قرنطینگی، ارتباطات اجتماعی آن‌ها را محدود ساخته، کلاس‌های غیررسمی را تعطیل کرده و اغلب آن‌ها با افراد کمتری در ارتباط هستند و همین دایره آشنایی و شبکه ارتباطی ایشان را محدود می‌سازد. همه این‌ها، به معنای وجود یک سیکل دُوری معیوب از آسیب‌ها و چالش‌هاست که شرایط زنان مورد مطالعه را در بحران کرونا سخت‌تر می‌نماید.

حال آنکه حمایت هدفمندی از زنان مورد مطالعه نشده و در این دوره فقدان حساسیت جنسیتی در تأمین و اختصاص وام‌های مالی مستقیم و تسهیلات از جانب دولت وجود دارد؛ یعنی حمایت‌های مالی بی‌توجه به میزان دسترسی زنان به شبکه ضمانت، شبکه اجتماعی قابل اعتماد، افراد پشتیبان و آگاهی اندک زنان نسبت به وجود چنین وام‌هایی، به‌صورت کلی به زنان و مردان ارائه شده و در نتیجه ویژگی‌های محدودکننده زنان، آن‌ها دسترسی کمتری به وام‌ها داشته‌اند. حال آنکه مردان به‌واسطه حضور بیشتر در اجتماع و شبکه اجتماعی وسیع‌تر، سریع‌تر از وام‌ها و حمایت‌ها آگاه شده و ضمانت‌های لازم را فراهم آورده‌اند.

کومار و همکارانش (۲۰۲۱) نیز در مورد زنان کارآفرین هندی به همین نکته اشاره کرده‌اند که چالش‌های زنان کارآفرین مورد مطالعه‌شان علاوه بر بازار و چالش‌های مالی، موضوع سرمایه اجتماعی، حمایت خانواده و میزان اندک آگاهی زنان نسبت به دسترسی به منابع است. آن‌ها خاطرنشان کرده‌اند که اگرچه حساسیت جنسیتی، سابقه خانوادگی کارآفرینی و دسترسی برابر به فناوری و اینترنت زنان کارآفرین، می‌تواند آن‌ها را قادر کند تا بحران را پشت سر بگذارند اما سلطه مردان در خانواده، جامعه، بازار و دستگاه‌های دولتی همواره وجود دارد و خود به‌مثابه مانعی، عمل می‌کند.

شایان‌ذکر است که سازمان‌های بین‌المللی کارگزار رفع نابرابری‌های اجتماعی و محققان این حوزه به‌وضوح، نسبت به ایجاد حمایت‌های هدفمند و سیاست‌های مبتنی بر حساسیت جنسیتی هشدار داده‌اند. همان‌طور که گوتیرز و همکارانش (۲۰۲۰) نیز، مجموعه سیاست‌های مبتنی بر رویکرد جنسیتی را در چرخه پاسخگویی اجتماعی-اقتصادی و در شرایط بحرانی لازم دانسته‌اند. شیوه‌هایی که سیاست‌گذاران را ملزم می‌سازد به ویژگی‌های گروه زنان مانند حجم شبکه ارتباطی محدودتر و سرمایه اجتماعی ضعیف‌تر آن‌ها توجه کنند و در بحران‌ها، حمایت‌های مالی و تسهیلاتی را به‌صورت هدفمند به آن‌ها ارائه دهند. کلام آخر، بحران‌ها در جوامع انسانی تمامی ندارند. هرچند که جنس و ماهیت آن‌ها می‌تواند متفاوت باشد؛ اما هر بحران، فرصتی برای یادگیری سیاست‌گذاری بهتر و هدفمندتر است. این مهم در تضارب با این نکته که در بحران‌ها، شکاف‌ها و نابرابری‌های جنسیتی عمیق‌تر می‌شوند، ضرورت توجه به سیاست‌گذاری مبتنی بر حساسیت جنسیتی را پررنگ‌تر می‌نماید. همچنین با توجه به اهمیت توجه و مدیریت بحران‌ها، می‌توان راهکارهایی را در جهت کاهش پیامدهای شغلی بحران‌ها (درس آموخته‌هایی از مقاله حاضر) ارائه نمود که در حیطه شغلی و وظایف مددکاران اجتماعی است:

- ارائه اطلاعات در مورد ویروس و استراتژی برای کاهش انتشار ویروس؛ انجام اقدامات بهداشتی و ایمنی و قوانین و سیاست‌های ملی و محلی مربوط به ویروس به زنانی که کسب و کار خانگی دارند با توجه به شبکه‌های ارتباطی محدود شغلی آن‌ها، بسیار حائز

اهمیت است. حمایت (advocacy)، به‌عنوان کلیدواژه رشته مددکاری اجتماعی، فقط به معنای خروج مددجویان از معضلات نیست بلکه وظیفه اصلی آن، در استمرار وضعیت بهبودیافته زنان است. در این مطالعه و همچنین مقاله پیشین از همین نویسندگان (رجوع شود به دباغی و محمدی، ۱۴۰۰)، مشخص گردید که شبکه حمایت‌های رسمی و غیررسمی زنان اغلب ضعیف و ناکارآمد است. حال آنکه در دورانی که هر نهاد و سازمان حمایتی تلاش در کاهش پیامدهای شغلی زنان کارآفرین و دارای کسب‌وکار خانگی با برنامه یا بی‌برنامه دارد، ارائه یک دیدگاه علمی و آکادمیک و سیستماتیک که همه‌جانبه به بهبود و استمرار آن پردازد، مهم است.

- نکته دیگر، ایجاد پروتکل‌های نظارتی برای مددکاران در بازرسی وضعیت مددجویان-در اینجا منظور زنان- است و منظور، ایجاد پروتکل‌هایی برای تصمیم‌گیری (به‌عنوان مثال درخت تصمیم) در رابطه با بازدیدهای حضوری و در مواقع حضوری، است. این امر پیوند مددکاری با مبحث مدیریت بحران را برای فجایی مانند کرونا نشان می‌دهد که تا پیش‌ازین، کمتر تجربه‌شده‌اند. البته که چنین پروتکل‌های نظارتی نیازمند ایجاد صندوق‌های مالی و خرد برای حمایت از زنان و ارتباط دهی آن‌ها با شبکه حمایتی محلی است. آنچه درس آموخته مقاله حاضر هست نیز به‌خوبی نشان داد که زنان در بحران‌هایی مانند کرونا، به‌یک‌باره از شبکه‌های مهارت ورزی، توسعه شغلی، حمایت مالی و اجتماعی، به بیرون می‌افتند. وظیفه مددکاران اجتماعی در این بخش، ایجاد زیرساخت‌های اجتماعی قوی برای شبکه‌سازی میان مددجویان است.

- یکی از مهم‌ترین پیامدهای شغلی زنان مورد مطالعه در این مقاله، عدم مهارت ورزی و استفاده از فضای مجازی برای ارائه خدماتشان بود. حال آنکه با آموزش مددکاران اجتماعی می‌توان از ظرفیت آن‌ها در راستای تطبیق مددجویان با شرایط جدید مانند استفاده از فناوری جدید و درک ریسک، استفاده نمود.

منابع

- آبوت، پاملا و والاس، کلر. (۱۳۸۵). جامعه‌شناسی زنان، ترجمه: منیژه نجم عراقی، تهران: نشر نی.
- آثار شیوع کرونا بر کسب‌وکار و رفاه خانوارها: سیاست‌های حمایتی در ایران و جهان (۱۳۰۰)، مدیر هماهنگی گزارش: حبیب سهیلی، گزارش شماره ۷، معاونت امور اقتصادی و برنامه‌ریزی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی با همکاری معاونت توسعه اشتغال و کارآفرینی، معاونت رفاه اجتماعی.
- تأثیر ویروس کرونا بر کسب‌وکارهای ایرانی (۱۳۹۹)، پژوهشکده آمار، گزارش تحلیلی کد: EC-3-2-99-16.
- دباغی، حمیده و محمدی، کوثر. (۱۴۰۰)، حمایت از کسب‌وکارهای زنان در دوران پاندمی کرونا، دومین همایش ملی چالش‌های خانواده ایرانی، دانشگاه الزهراء، چاپ‌شده در کتاب مقالات همایش.
- زعفرانچی، لیلا سادات. (۱۳۸۸)، اشتغال زنان (مجموعه مقالات و گفتگوها)، تهران: مرکز امور زنان و خانواده، نوبت چاپ: اول.
- نادری، لیلی و همکاران. (۱۳۹۹)، فضای کسب‌وکار در مواجهه با کرونا و ویروس، اجلاس بین‌المللی جهش تولید و اثرات آن بر اقتصاد ایران در سایه بحران کرونا، قابل‌دسترس در: <https://civilica.com/doc/1129244>
- ANDE. *The Small and Growing Business Sector and the COVID-19 Crisis: Emerging Evidence on Key Risks and Needs*. ANDE Issue Brief 38, Aspen Network of Development Entrepreneurs (ANDE), Washington, DC. 2020a.
- Aronson J. (1995). A pragmatic view of thematic analysis. *Qual No table of figures entries found. COVID-19 threatens to undo progress made in closing the gender gap in entrepreneurship*, Websit OECD, 2020. Available in; <https://www.oecd.org/gender/data/covid-19-threatens-to-undo-progress-made-in-closing-the-gender-gap-in-entrepreneurship.htm> COVID-19 and its economic toll on women: *The story behind the numbers*. (2020). UN. available in: <https://www.unwomen.org/en/news/stories/2020/9/feature-covid-19-economic-impacts-on-women>
- Cowling M, Liu W, Ledger A, et al. (2015). What really happens to small and medium-sized enterprises in a global economic recession? UK evidence on sales and job dynamics. *International Small Business Journal* 33(5): 488-513.

- E. Bardasi, S. Sabarwal, and K. Terrell. (2011). How do female entrepreneurs perform? evidence from three developing regions. *Small Business Economics*, 37(4):417–441.
- D, Gutiérrez. G, Martin & H, Ñopo. (2020). *The Coronavirus and the challenges for women's work in Latin America*. United Nations Development Programme. <http://www.latinamerica.undp.org>
- F. Campos, M. Goldstein, L. McGorman, A. M. M. Boudet, and O. Pimhidzai. (2018). *Breaking the Metal Ceiling: Female Entrepreneurs who succeed in Male-Dominated Sectors*. In *Towards Gender Equity in Development*, pages 167–191. Oxford University Press, 2018.
- Fahy, D. (2019). *Domestic Work*. Centre of African Studies, University of Edinburgh, & International Gender Studies Centre, University of Oxford. Available in:
<file:///C:/Users/hdaba/Downloads/2019-5BrycesonDomesticLabour.pdf>
- Fernandes, S. Kerneis, (2021). K. *Bearing the brunt: the impact of Covid-19 on women*, social Europe.
- Global Gender Gap Report*, (2021 & 2018). World Economic Commission. https://www3.weforum.org/docs/WEF_GGGR_2018.pdf Graeber, D. A. Kritikos and J. Seebauer (2020), *COVID-19: A crisis of the female self-employed*, SOEP papers on Multidisciplinary Panel Data Research, No. 1108, Deutsches Institut für Wirtschaftsforschung (DIW), Berlin
- International Development Cooperation Agency Division for Policy and Socio-Economic Analysis. Available in:
<https://cdn.sida.se/publications/files/sida2616en-the-feminisation-of-poverty-the-use-of-a-concept.pdf>
- M. Chawla, P. Sahni, and K. Sadhwani. (2020). *Can COVID-19 Be the Turning Point for Women Entrepreneurs in India?* Technical report, Retrieved from <https://www.bain.com/insights/can-COVID-19-be-the-turningpoint-for-women-entrepreneurs-in-india/>
- ILO (2013). *10 Keys for Gender Sensitive OSH Practice – Guidelines for Gender Mainstreaming in Occupational Safety and Health*. (2013). International Labour Office, Geneva. Available in:
https://www.ilo.org/wcmsp5/groups/public/@ed_protect/@protrav/@safework/documents/publication/wcms_324653.pdf
- J, Torres. F, Maduko. I, Gaddis. L, Iacovone. K, Beegle. (2021). *The Impact of the COVID-19 Pandemic on Women-Led Businesses* Jesica Finance, Competitiveness and Innovation. World bank. Global Practice & Gender Global Theme. Available in:
<https://openknowledge.worldbank.org/bitstream/handle/10986/36435/The-Impact-of-the-COVID-19-Pandemic-on-Women-Led-Businesses.pdf?sequence=7&isAllowed=y>

- Kossek EE and Perrigino MB (2016). *Resilience: A review using a grounded integrated occupational approach*. *Academy of Management Annals* 10(1).
- Kousis M. M. Paschou (2017), "Alternative Forms of Resilience: A Typology of Approaches for the Study of Citizen Collective Responses in Hard Economic Times", *Partecipazione e Conflitto*, 10 (1): 136-168.
- Manolova TS, Brush CG, Edelman LF, et al. (2020). Pivoting to stay the course: How women entrepreneurs take advantage of opportunities created by the COVID-19 pandemic. *International Small Business Journal* 38(6): 481-491.
- Orefice, S, (2021). *Climent Quintana-Domeque, Gender inequality in COVID-19 times: evidence from UK prolific participants*, Published online by Cambridge University Press: 01 March 2021.
- Pietrzak, R. H. & Southwick, S. M. (2011). Psychological resilience in OEF-OIF Veterans: Application of a novel classification approach and examination of demographic and psychosocial correlates. *Journal of Affect Disorders*, 133(3), 560-568.
- Rosaldo, M. (2012). *A Conceptual Framework on Informal Work and Informal Worker Organizing*. UC Berkeley Department of Sociology Chris Tilly UCLA Institute for Research on Labor and Employment Peter Evans UC Berkeley Department of Sociology.
- Titan Alon, Matthias Doepke, Jane Olmstead-Rumsey, Michèle Tertilt, *This Time It's Different: The Role of Women's Employment in a Pandemic Recession*, *institute of labor economics*, 2020.
- R. Aterido and M. Hallward-Driemeier. *Whose business is it anyway? Small Business Economics*, 37(4):443, 2011. R. Aterido, L. Iacovone, and T. Beck. *Gender and Finance in Sub-Saharan Africa: Are Women Disadvantaged?* Policy Research Working Paper 5571, World Bank, February 2011.
- S, Kumar. S, Prasad. Mukherji & N, Singh. (2021). *Entrepreneurial prospects and challenges for women amidst COVID-19: a case study of Delhi, India*. The current issue and full text archive of this journal is available on Emerald Insight at: <https://www.emerald.com/insight/2635-0173.htm>
- Y, Papa Georgiou & V, Petousi. (2018). *Gender resilience in times of economic crisis*. *The Open Journal of Socio-political Studies*. <http://siba-ese.unisalento.it/index.php/paco>.

استناد به این مقاله: دباغی، حمیده و محمدی، کوثر. (۱۴۰۱). چالش‌های کسب و کارهای خانگی و خدماتی زنان در پاندمی کووید ۱۹، فصلنامه پژوهشنامه مددکاری اجتماعی، ۹ (۳۱)، ۱۷۱-۲۰۶.



Social Work Research Journal is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.